

طرزی که می‌خواهیم برای ذکر لغات عربی (مورد استعمال فعلی نتیجه از مقدمه زبان فارسی) پیش بگیریم یعنی کنار گذاردن لغات غریبه که مورد استعمال نیست و حذف لغات عربی که صورت فارسی بخود گرفته و صرف نظر از لغات فارسی که هیئت عربی پیدا کرده و منها کردن لغاتی که تابع دستور زبان فارسی شده است برای مالغاتی باقی می‌گذارد که در زبان فارسی مورد استعمال عموم است و برای بحث در این لغات ناچار بایستی چند جنبه آنرا رعایت کنیم.

یکم - جنبه صرفی و اشتقاق لغات مشتقه از مصدر واحد.

دوم - تغییرات نحوی که بواسطه اختلاف اعراب موجب تغییر معانی میشود

سوم - املاء صحیح لغات.

چهارم - اسامی و مستثنیات

در قسمت اول - اگر بخواهیم در مقابل هر لغتی جداگانه کلیه مشتقات آن را ذکر کنیم هم موجب تضییع وقت خوانندگان و هم باعث تأخیر در رسیدن به نتیجه خواهد شد لذا بهتر است که قبلاً خلاصه‌ای از علم صرف ذکر بشود که در ضمن ذکر قواعد کلی صرفی تکلیف عمومی لغتها از این حیث معلوم شود و دیگر برای هر لغتی تکرار مشتقات مشابه لزومی پیدا نکند.

راجع بقسمت دوم - که مربوط با اختلاف حرکات اعراب است در جزء بحث از علم نحو مسائل لازمه ذکر خواهد شد.

در قسمت سوم - بهتر اینست که در آئین نگارش در بحث املاء آنچه لازمست بطور کلی بنظر خوانندگان گرامی برسد.

در قسمت چهارم - پس از فراغت از بحث سه قسم دیگر آنچه لازم باشد ذکر شود و پس از ذکر کلیات فوق به نسبت الا هم فالاهم لغات لازمه درج گردد بنا بر این اینک خلاصه مفیدی از علم صرف بقلم آقای حسن قهرمانی نوشته میشود.

احمد اخگر

علم صرف: یافتن تصریف

قبل از شروع در هر علمی لازم است سه چیز (بعنوان مقدمه‌العلم) دانسته شود: ۱ - موضوع علم ۲ - تعریف علم ۳ - فایده علم

در علم صرف هم قبلا ناگزیریم این سه چیز را بدانیم بقرار زیر:

۱ - موضوع: موضوع علم صرف کلمه است زیرا از احوال آن بحث میشود

۲ - تعریف: صرف علمی است که با دانستن آن میتوانیم ماده کلمه را

بصورت مختلف صیغ در آوریم

۳ - فایده: با دانستن احوال کلمه از خطای در تلفظ کلمات مفرد مصون

میمانیم (ترکیب کلمات مربوط بنحو است)

مقدمه پایان یافت اینک تقسیمات موضوع:

۱ - تقسیم اول

۱ - کلمه یا تنهائی دلالت بر معنی نمیکند شامل زمان هم نمیشود آن

حرف است .

۲ - یابه تنهائی دلالت بر معنی میکند لیکن شامل زمان نمی شود آن

اسم است .

۳ - یابه تنهائی هم دلالت بر معنی میکند هم شامل زمان میشود آن فعل است

۲ - تقسیم ثانی

کلمه یا قبول صور مختلفه نمی کند آنرا جامد گوئیم، یا قبول صور مختلفه

مینماید آنرا متصرف نامیم یعنی متغیر (زیرا تصریف بمعنای تغییر است) و

چون فن تصریف عبارتست از تحویل ماده واحده بصورت مختلفه و کلمه جامده

قبول تصریف نمی نماید بدینجهت حرف مطلقا (چون جامد است) و اسم جامد

از بحث خارج میگردد پس میماند فعل بطور مطلق و اسم متصرف (که در فن

تصریف از این دو بحث میشود)